

## دکتر آگوست کانکل، تواریخ، جلسه ۵، گرداگرد معبد گرد هم آید

گاس کنکل و تد هیلدبرانت © 2024

این دکتر آگوست کانکل در تدریس خود در مورد کتاب‌های تواریخ است. این جلسه ۵، گردهمایی در اطراف معبد است.

ما با صحبت در مورد روابط قبایل اسرائیل، اشاره به اینکه چرا روبن به زیردست تبدیل شده است، چرا یوسف با افرایم و منسی به عنوان مناسک نخست‌زادگی ارتقا یافته است، اما چگونه یهودا به رهبر تبدیل می‌شود، جلسه را به پایان رساندیم.

این برای وقایع‌نگار بسیار مهم بود، به همین دلیل است که در فصل‌های دوم و سوم به قبیله یهودا اهمیت زیادی داد. اکنون به دومین دغدغه واقعی او می‌رسیم، و دغدغه دوم او عملکرد معبد است، زیرا همانطور که او بارها خواهد گفت، این پادشاهی داوود نیست. داوود در فصل‌های ۲۲ و ۲۸ خواهد گفت، این پادشاهی یهودا است.

این پادشاهی خودش نیست. این یک پادشاهی ابدی است. بنابراین اگر این پادشاهی در واقع پادشاهی داوود نیست، اگر داوود صرفاً وسیله‌ای است که خداوند از طریق آن وعده خود را برای رستگاری قومش محقق می‌کند، پس مرکز پادشاهی باید یهودا، خدا، نام خدای اسرائیل باشد.

برای اینکه پادشاهی نمایانگر آنچه واقعاً هست باشد، باید شناخت مناسبی از نحوه‌ی نمایش و نمایش حکومت خداوند در پادشاهی‌اش وجود داشته باشد. بنابراین، او این کار را از طریق یک قبیله‌ی خاص انجام می‌دهد. این قبیله شرح بسیار طولانی و مفصلی از اعضای خود، نحوه‌ی سازماندهی، فعالیت‌هایشان و دلیل اهمیت محوری‌شان در پادشاهی دریافت می‌کند، اگرچه در واقع هیچ مالکیتی در پادشاهی ندارند.

آنها فقط شهرها، مکان‌هایی برای سکونت و مکان‌هایی برای امرار معاش دارند، اما به عنوان یک قبیله، هیچ گونه مالکیتی ندارند. شمعون حداقل مناطق مشخصی را در یهودا داشت که قلمرو آنها به عنوان یک قبیله بود، اما لاویان اینطور نبودند. بلکه نقش آنها کاملاً متفاوت است.

بنابراین، وقایع‌نگار می‌خواهد ما بفهمیم چه کسی در مرکز پادشاهی خدا قرار دارد. چه کسی بیشترین اهمیت را برای ما دارد که بدانیم اهمیت اسرائیل چیست؟ و آنچه در اینجا داریم توصیف لاویان است. وقایع‌نگار با لاوی شروع می‌کند و در ۱۵ آیه اول، تبار کاهنان را تا زمان تبعید شرح می‌دهد.

بنابراین، اینها افرادی هستند که نقش برجسته‌ای در قبیله داشتند. آنها کسانی بودند که کاهنان بودند. یکی، از تفاوت‌هایی که باید در اینجا به آن توجه کرد این است که در کتاب‌های اعداد و لاویان، نوادگان هارون، نوادگان قهات، کاهنان هستند.

اما به نظر نمی‌رسد که وقایع‌نگار، کاهنی را کاملاً اینگونه ببیند. از نظر وقایع‌نگار، اگر شما لاوی باشید، در قبیله‌ای هستید که کاهنان از آن می‌آیند. و بنابراین، همانطور که در تثنیه آمده است، در تواریخ نیز اصطلاح کاهنان لاوی را داریم.

یعنی این افراد کاهن هستند، اما به قبیله لاوی تعلق دارند. بنابراین، کاری که وقایع‌نگار در بخش بعدی ارائه این شجره‌نامه انجام می‌دهد، تکرار پسران لاوی است. سه نفر از آنها وجود دارند، به خصوص در آیات ۱۶ تا ۱۹.

سپس، او پسران جرشوم، پسران قهات و پسران مراری را فهرست می‌کند. حال، پسران قهات هستند که در اینجا اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند. اگر به کتاب اعداد برگردیم، می‌بینیم که پسران قهات نقش بسیار ویژه‌ای در رابطه با معبد داشتند.

آنها در رابطه با خیمه، کسانی بودند که مسئول حمل و نقل و نگهداری آن بودند و این کار، آوودا، کار و وظیفه خاص آنها نامیده می‌شد. اما البته، پس از ساخته شدن معبد، آن عملکرد و آن نقش تغییر می‌کند چیزی که وقایع‌نگار به وضوح هنگام آماده‌سازی‌های داوود برای معبد به آن اشاره می‌کند. کل عملکرد لاویان و نقش آنها تغییر خواهد کرد.

قبلاً اشاره کردم که شجره‌نامه‌ها می‌توانند متغیر باشند، و یکی از چیزهایی که اینجا می‌بینیم این است که وقایع‌نگار، سموئیل را یکی از کاهنان می‌داند، زیرا او به عنوان کاهن عمل می‌کرد. و بنابراین، او یکی از پسران قهات، پسر القانه است. و وقایع‌نگار کل شجره‌نامه سموئیل را ارائه می‌دهد.

در متن عبری ماسورتی، در واقع تعدادی مشکل متنی وجود دارد، اما کاملاً قابل تشخیص هستند و ترجمه‌ها این موضوع را دقیقاً همانطور که نویسنده در نظر داشته است، به تصویر می‌کشند. بنابراین، ما سموئیل را در میان پسران کوهات می‌بینیم. بنابراین، پسران گرشوم، کوهات و مراری نیز وجود دارند.

بنابراین آنچه ما داریم این تغییر کامل نقش است، به طوری که دیگر نگران حمل و نقل خیمه نیستیم، بلکه بیشتر نگران عملکرد معبد هستیم. بخش بسیار مهمی از عملکرد معبد، عبادت است و بخش بسیار مهمی از عبادت، موسیقی است. بنابراین، وقایع‌نگار در اینجا بخش کاملی در مورد چگونگی تعیین و انتصاب نوازندگان توسط داوود به ما ارائه می‌دهد.

حالا، شما با برخی از این موارد از کتاب مزامیر آشنا خواهید شد. صنف هیمان، صنف آساف، صنف ایتان وجود دارد، و سپس او دوباره با فهرست کاهنان نتیجه‌گیری می‌کند. بنابراین، می‌بینید که کل این ماجرا چگونه ساختار یافته است.

کاهنان برجسته هستند. او با کاهنان شروع می‌کند و با کاهنان به پایان می‌رساند. اینها کسانی هستند که مراسمی را برگزار می‌کنند که از طریق آن ما حضور خدا را تشخیص می‌دهیم.

ما قرار است وقتی به سلیمان و ساختارها و کارکردهای واقعی معبد رسیدیم، در مورد شناخت حضور خدا بحث کنیم. اما در اینجا، وقایع‌نگار این نکته را بسیار مهم می‌داند که کاهنان کسانی هستند که رهبران هستند، اما در اطراف آنها نوازندگان قرار دارند. آنها کسانی هستند که مسئول هستند.

نوازندگان نقش بسیار مهمی در تواریخ ایفا خواهند کرد. نه تنها در پرستش در اطراف معبد، بلکه نوازندگان کسانی خواهند بود که در نبرد برای یهوشافاط پیروز می‌شوند، زیرا آنها کسانی هستند که اساساً به عنوان پیامبر عمل می‌کنند. در واقع، تواریخ حتی از اصطلاح پیامبران برای توصیف نوازندگان استفاده می‌کند.

حالا گفتیم که آنها ملکی در داخل اسرائیل ندارند، بنابراین آنچه داشتند شهرهای مختلفی بود که در سراسر قلمرو اسرائیل پخش شده بودند. در اینجا منبع وقایع‌نگار کاملاً واضح است. وقایع‌نگار در فصل ۲۱ از

یوشع استفاده می‌کند، جایی که یوشع تمام شهرهای لاویان را تعیین می‌کند، اما وقایع‌نگار تصمیم گرفته است منبع خود را به طرق بسیار مهمی اصلاح کند.

بنابراین، او از ابتدای مأموریت یوشع، همانطور که در یوشع فصل ۱۹ یا ببخشید، یوشع فصل ۲۱ آمده است، شروع نمی‌کند، بلکه با شهرهای کوهات شروع می‌کند، ببخشید با شهرهای کاهنان شمعون و بنیامین که برای او شهرهای اصلی در یهودا، شهرهای اطراف اورشلیم هستند. سپس به شهرهای کوهات، جرشوم و مراری می‌رود و سپس خلاصه‌ای کامل از شهرهای لاویان و شهرهای کل اسرائیل ارائه می‌دهد. حال، یکی از کارکردهای شهر لاویان، پناهگاه بودن بود.

لاویان بخش مهمی از سیستم قضایی بودند. در واقع، وقتی داوود برای انتصاب لاویان می‌آید، یکی از وظایف خاص آنها قضاوت است. بنابراین، لاویان در سیستم قضایی فعالیت می‌کنند.

حال، سیستم قضایی همیشه درجه‌ای از پیچیدگی دارد. اشکالی ندارد که در عهدنامه آمده باشد که نباید کسی را کشت، اما البته این سوال همیشه مطرح می‌شود که در چه نقطه‌ای و از چه راه‌هایی کسی به جرم برنامه‌ریزی عمدی قتل مقصر شناخته می‌شود، و آن موقعیت‌های دیگری که کسی مسئول مرگ شخص دیگری است، اما قصدش این نبوده است. این موضوع درست در خود عهدنامه روشن شده است.

برای مثال، مردی در مزرعه‌ای در ساسکاچوان، جایی که من بزرگ شدم، یک گاو نر داشت، یا به قول ما گاو نر، و آن گاوها باید مورد احترام قرار می‌گرفتند. ما همیشه آنها را بسته نگه می‌داشتیم. آن گاو نر را فقط وقتی گاو به آن نیاز داشت، با طناب و حلقه‌ای بیرون می‌گذاشتیم و به محض اینکه کارش تمام می‌شد، دوباره در طولیله‌اش می‌بستیم، چون نمی‌خواستیم آن گاو آزاد باشد.

شما هرگز نمی‌دانستید که او چه کاری قرار است انجام دهد. بنابراین، من تصویر کاملاً واضحی از معنای این قسمت از کتاب خروج در ذهنم دارم وقتی که در مورد مردی صحبت می‌کند که صاحب یک گاو نر است و گاو نر آزاد می‌شود و کسی را می‌کشد. حال سوال این است که آیا این باعث می‌شود صاحب گاو نر قاتل شود زیرا گاو نر او آزاد شده و کسی مرده است؟ خب، شرایط زیادی در اطراف این تصمیم وجود داشت بنابراین شهر پناهگاه به ویژه مکانی بود که در این مورد، شخصی که صاحب گاو نر بود، می‌توانست به آنجا فرار کند.

این شهر قضایی بود و در آنجا کل وضعیت قابل تعیین بود و می‌توانستید تصمیم بگیرید که آیا فرد مسئول است یا خیر، تا چه حد مسئول است، چه خساراتی باید پرداخت شود و چه مجازات‌هایی باید اعمال شود، و گاهی اوقات، همانطور که از سوابق می‌دانیم، شهر پناهگاه در واقع به طور دائم به محل اقامت آن شخص تبدیل می‌شد، صرفاً برای امنیت خودش. حال، در یوشع، شهرهای خاصی وجود دارند که به عنوان شهرهای لاویان تعیین شده‌اند، اما وقایع‌نگار کاملاً از آن توصیفی که ما در یوشع داریم پیروی نمی‌کند. او دو بار به شهرهای لاویان اشاره می‌کند، همیشه به صورت جمع، یک بار در آیه ۵۵ و بار دیگر در آیه ۶۷، و در هر دو مورد، این تصور به شما دست می‌دهد که از دیدگاه وقایع‌نگار، و شاید این چیزی بوده که در برهه‌ای از زمان بعدی صادق بوده است، یا شاید به نوعی در زمان خودش صادق بوده است، همه شهرهای لاویان به عنوان شهرهای پناهگاه، به عنوان مکانی که فعالیت‌های قضایی می‌توانست در آن انجام شود، در نظر گرفته می‌شدند.

اما شاید بهتر باشد نگاهی به نقشه بیندازیم تا مکان‌های اقامتی که وقایع‌نگار درباره آنها صحبت می‌کند را ببینیم. آنچه در اینجا می‌بینیم بخشی از کل شهر اسرائیل، ببخشید، کل کشور اسرائیل است که در آن نام شهرهای لاوی وجود دارد. و آنچه مشاهده خواهید کرد دقیقاً همان چیزی است که وقایع‌نگار توصیف

می‌کند، یعنی اینکه اینجا در منطقه یهودا، درست در اطراف اورشلیم، بیشترین تمرکز لایوان وجود داشته است، احتمالاً به این دلیل که به آنها نوعی نزدیکی به معبد داده است.

اما شهرهای لایوان در تمام شمال دریای جلیل، در تمام طول شمال وجود داشتند، زیرا کل کشور نیاز به پوشش یک شهر لایوان داشت. اما وقتی وقایع‌نگار در توصیفات خود درباره شهرهای پناهگاه صحبت می‌کند، اساساً درباره توصیفی که در یوشع داریم صحبت می‌کند و اساساً درباره آن مکان‌ها صحبت می‌کند بنابراین این به ما ایده‌ای از تاریخ وقایع‌نگار می‌دهد، همانطور که او آن را در رابطه با لایوان و عملکرد آنها می‌بیند.

آنها به عنوان نوازنده عمل می‌کنند، از نظر عبادت عمل می‌کنند، اما همچنین به طور برجسته‌ای از نظر کل تمرین تعلیم نیز عمل می‌کنند، بنابراین این تنها چیزی است که می‌توان فهمید. و همراه با آن، لزوماً کل عملکرد اجرای عهد در زندگی روزمره نیز وجود دارد، که گاهی اوقات به این معنی بود که مردم باید تحت قضاوت یک سیستم قضایی کامل قرار می‌گرفتند که توسط لایوان اداره می‌شد. بنابراین، برای وقایع‌نگار، پادشاهی یهوه وعده خدا برای رستگاری قومش است.

اما نکته دوم در مورد پادشاهی خدا برای وقایع‌نگار، روابط انسانی است. مردم چگونه با یکدیگر کنار می‌آیند؟ این هیچ ربطی به وسعت قلمرو آنها ندارد، و به همین دلیل است که او سعی می‌کند به همه مردم یهود در زمان خود بگوید. وسعت قلمرویی که ما داریم و کنترل می‌کنیم، واقعاً مسئله اصلی اینجا نیست.

مسئله اینجا این است که ما نماینده پادشاهی خدا هستیم، و اینها لایوان هستند، و این روشی است که داوود آنها را منصوب کرد، و این روشی است که قرار است آنها عمل کنند، و این روشی است که اکنون باید عمل کنند، گرد هم آمدن در اطراف معبد، روشی است که این توصیف شده است. اما دلیل خوبی برای آن وجود دارد. به این دلیل است که پادشاهی متعلق به خداست، و اگر پادشاهی متعلق به خداست، پس مربوط به روابط ساختاری بین مردم و نحوه کنار آمدن آنها با یکدیگر است.

آنها باید آموزه‌های خدا، تورات او را بیاموزند و بفهمند. آنها باید در تمام روابط روزانه خود طبق آن آموزه‌ها زندگی کنند و نقش کلیدی در آنجا، عملکرد لایوان، به ویژه در آموزش، به ویژه در رهبری در عبادت است. اینها وظایف اصلی هستند، اما انواع دیگری از وظایف نیز وجود دارد که با آن همراه است، از جمله اینکه چگونه می‌توانیم مردم را در شرایطی که دچار تضاد می‌شوند، به زندگی با یکدیگر واداریم.

وقایع‌نگار از همه این موارد آگاه است و از یوشع برای نشان دادن چگونگی کارکرد این روش در زمان داوود استفاده می‌کند.

، این دکتر آگوست کانکل است که در حال تدریس در مورد کتاب‌های وقایع‌نگار است. این جلسه ۵، گردهمایی در اطراف معبد است.